

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره ششم - شهریور ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۲

تحلیل ویژگیهای سبکی از دیدگاه گفتگومندی در آثار داستان نویسان زن

معاصر (دهه ۴۰ تا ۸۰ شمسی)

(ص ۱۲۳-۱۰۳)

ملیحه السادات کاشی زاده^۲، عبدالحسین فرزاد^۳ (نویسنده مسئول)،

فرهاد طهماسبی^۴

تاریخ دریافت مقاله: دی ۱۳۹۸ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: اسفند ۱۳۹۸

چکیده

تحقیق در ویژگیهای سبکی یک نویسنده با رویکرد گفتگومندی میتواند منجر به درک و دریافت بهتری از دنیای اثر شود. در یک متن گفتگومند، همه صداها شنیده میشود و صدای نویسنده صدای غالب نیست؛ بلکه نویسنده به همه آواها فرصت برابر میدهد و همه صداها موافق و مخالف به موازات هم به گوش مخاطب میرسد. رمان بهترین بستر برای آفرینش فضای گفتگومند است. این پژوهش پنج رمان شاخص معاصر (سووشون اثر سیمین دانشور - کولی کنار آتش اثر منیرو روانیپور - طوبی و معنای شب اثر شهرنوش پارسیپور - عادت میکنیم اثر زویا پیرزاد - خانه ادریسها اثر غزاله علیزاده) را به منظور کشف مولفه های گفتگومندی با روش توصیفی - تحلیلی و به شیوه اسنادی - کتابخانه ای، مورد نقد و بررسی قرار داده است. در پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش که آیا گفتگومندی میتواند برای این نویسندگان یک ویژگی سبکی شخصی باشد؟ باید گفت که این نویسندگان با به کارگیری شگردهای مختلف از جمله، چرخش زاویه دید، ساختار صلیبی، ژانر رئالیسم جادویی و بینامتنیت، چندصدایی و چند زبانی، یک اثر گفتگومند و چند آوا را آفریده اند. بیشترین کاربرد چندصدایی با مولفه سبکپردازی است. همین امر گفتمان غالب متن را به سوی نظر نویسنده هدایت میکند و از بار گفتگومندی متن میکاهد. گفتگوی بینامتنی مشترک این رمانها با هم، گفتمان مقاومت و صدای اعتراض به گفتمان مرد سالار و سنتی است.

کلید واژه ها: تحلیل سبکی، گفتگومندی، سیمین دانشور، منیرو روانیپور، شهرنوش پارسیپور، زویا پیرزاد، غزاله علیزاده

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند.

۲- دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (Vanooshe48@yahoo.com)

۳- دانشیار زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران، ایران، استاد راهنما (Abolhosein.farzad@gmail.com)

۴- دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران (f-tahmasbi@iiu.ac.ir)

Analyzing the characteristic features of dialogism perspective in contemporary Iranian female writers books (40 SH- 80 SH)

Maliheh Al Sadat Kashizadeh^۱, Abolhosein Farzad^۲ (Corresponding Author), Farhad Tahmasbi^۳

Abstract

Research in the stylistic characteristics of a writer with a Conversation approach can lead to a better understanding of the literary work's space. In a conversational text, all sounds are heard, and the writer's voice is not dominant, but the author gives all voices equal opportunity, and all sounds with equal and opposite sounds equal to the ear. The novel is the best background for the creation of the conversational space. This research has examined five contemporary index novels ("Savushun" by Simin Daneshvar, "Gypsy by the fire" by Moniro Ravanipour, "Touba and the Meaning of Night Novel" by Shahrnush Parsipur, "We get used to it" by Zoya Pirzad, "Idrissi's house" by Ghazaleh Alizadeh) in order to explore conversation elements with descriptive - analytical method and in documentary - library method. In response to the main question of this research, can the conversation be a personal style trait for these authors? It should be said that these authors have created a dialogic and multi-voiced approach using a variety of techniques such as angle of view rotation, cross structure, genre of magical and intertextual realism, polyphony and multilingualism. The most commonly used polyphonic component is the style component, which directs the dominant discourse of the text to the author's view and reduces the burden of conversation dialogue. The intertextual conversation of these novels together is the discourse of resistance and the voice of protest against traditional and patriarchal discourse.

^۱ PhD Student in Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.. (Vanooshe48@yahoo.com)

^۲ Associate Professor of Persian Language and Literature, Institute of Humanities, Tehran, Iran, Supervisor (Abolhosein.farzad@gmail.com)

^۳ Associate Professor of Persian Language and Literature, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran (farhad.tahmasbi@yahoo.com)

Keywords: light analysis, conversation, Simin Daneshvar, Ravanipor, Shahrnush Parsipur, Pirzad Zoya, Ghazaleh Alizadeh

۱- مقدمه و بیان مساله:

رمان آئینه تمام‌نمای اجتماع است و رابط انتقال مفاهیم و تجارب بین نسل‌هاست. به کمک رمان ارتباط فکری و فرهنگی بین نسل‌ها حفظ می‌شود. لذا این گونه ادبی از اهمیت بسیاری برخوردار است.

اولین رمان فارسی را میرزا فتحعلی آخوندزاده در سال ۱۲۵۳ به نام ستارگان فریب خورده نوشت و پس از آن تلاش‌های جدی برای نوشتن رمان به سیاق امروزی با محتوای آموزشی و انتقادی از اوضاع اسفبار نادانی و نابسامانی و پراکندگی ملت به رشد خود ادامه داد. تا دهه چهل که نویسندگان زن قلم به دست گرفته و صاحب هویت مستقل شدند.

سووشون (۱۳۴۸) شاهکار سیمین دانشور، نخستین رمانیست که هویت قلم زنانه را در دنیای نویسندگی ایران به رسمیت واداشت و پس از آن در ادوار مختلف شاهد تولد و رشد نویسندگان زن ایرانی در عرصه رمان نویسی هستیم.

صاحب‌نظران گفتگومندی را موجب بلوغ متن میدانند. به طور کلی متون ادبی به دو دسته تک‌آوا و چند آوا تقسیم می‌شود. در متون تک‌آوا گرچه به ظاهر صدای شخصیت‌های مختلف شنیده می‌شود؛ اما در حقیقت این صدای نویسنده است که از طریق راوی، بالاتر از صداهای دیگر به گوش می‌رسد. در حالیکه در متون چند آوا صدای نویسنده و راوی در کنار هم و به موازات صداهای مستقل دیگر شنیده می‌شود. به عبارتی گفتمان‌های مختلف در یک متن چند آوا فرصت مساوی برای ابراز وجود دارند. کشف روابط بینامتنی، مولفه‌های چند صدایی، گفتار روزنه‌دار (نقیضه، سبک‌برداری، جدل نهانی) و چند زبانی عناصری هستند که در ساختار یک متن گفتگومند به کار می‌روند و جستجوی این عناصر به تحلیل متون از منظر گفتگومندی میانجامد.

این پژوهش با بررسی مولفه‌های گفتگومندی در پنج رمان از نویسندگان زن برجسته دهه‌های چهل تا هشتاد شمسی به دنبال این است که میزان موفقیت این نویسندگان را در پدیدآوردن یک متن گفتگومند بسنجد و گفتگومندی را به عنوان یک ویژگی سبکی این نویسندگان فرض کند. رمان‌های مورد مطالعه عبارتند از: سووشون اثر سیمین دانشور، کولی کنار آتش اثر منیرو روانپور، طوبا و معنای شب اثر شهرنوش پارسیپور، عادت می‌کنیم اثر زویا پیرزاد، خانه ادریسیها اثر غزاله علیزاده.

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و به شیوه مطالعاتی اسنادی - کتابخانه‌ای انجام شده است.

۲- پیشینه پژوهش

نگارنده با وجود جستجوی بسیار، پژوهشی که گفتگومندی را به عنوان یک ویژگی سبکی در رمان‌های نویسندگان مذکور بررسی کرده باشد، نیافته است. برخی پژوهش‌هایی

که به پژوهش حاضر نزدیک است عبارتند از :

گرچی، مصطفی و فرهاد درودگریان و افسانه میری، (۱۳۹۱) ، پژوهشی به نام تحلیل گفتمانی رمان «کولی کنار آتش» منیرو روانی پور، را در فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) سال پنجم، شماره اول، ۹۰ - ۷۹ به چاپ رساندند. در این مقاله پژوهشگران به تامل و بازخوانی رمان کولی کنار آتش به عنوان یک رمان سیاسی با نویسنده زن به روش تحلیل سبکی - گفتمانی متن و عناصر برجسته حاضر در آن همچون تصویرها و توصیفها و شخصیتها، نحوه روایت پردازی، طرح و درونمایه برتر و...پرداختند و به این نتیجه رسیدند که علیرغم تفاوت‌های گفتمانی شخصیت‌های داستان، دغدغه زنانه، یک ساختار مشترک و هماهنگ در بین آنهاست.

اکبر زاده، فاطمه (۱۳۹۳) رساله دکتری خود را با عنوان «مطالعه تطبیقی رمانهای احلام مستغانمی و زویا پیرزاد در پرتو نظریه چندآوایی باختین» در دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی دکتر کبری روشنگر و استادان مشاور ، خلیل پروینی و حسینعلی قبادی نوشته است که مکالمه گری زنانه را در دو رمان (ذاكرة الجسد اثر احلام مستغانمی را با رمان چراغ‌ها را من خاموش می کنم زویا پیرزاد) به صورت نقد تلفیقی - چند صدایی و نقد فمینیستی به شیوه توصیفی تحلیلی در مطالعه تطبیقی بررسی کرد و به این نتیجه رسید که پیرزاد با انتخاب راوی زن و تقابل گفتگویی زبان زنانه با زبان مردسالار ساختاری گفتگومند به اثر بخشیده است.

محمدی افشار، هوشنگ و وحیدرضا بیریان، مقاله ای را با عنوان «تحلیل جامعه شناسی سووشون بر اساس منطق مکالمه»، در سومین کنگره بین المللی پژوهشهای کاربردی علوم انسانی اسلامی، استان گلستان، گرگان، ارائه نمودند و این رمان را از منظر جامعه شناسی بررسی نمودند. به این نتیجه رسیدند که دانشور با ایجاد بستر کارناوال، گفتگو و مکالمه در رمان، شخصیتها را با ایدئولوژیهای مختلف در تقابل با هم قرار داده و یک متن گفتگومند آفریده است.

۳- مبانی نظری و چارچوب مفهومی

۱-۳- سبک شخصی

سبک، شیوه بیان در گفتار و نوشتار است و مفهومی بدیهی دارد. بطور کلی ویژگیهای تکراری که در آثار یک شخص به چشم میخورد سبک نامیده میشود. سبک نتیجه نگرش

ویژه شخص به درون و بیرون است و محصول گزینش خاصی از تعابیر و کلماتی است که صاحب سبک، برای افاده معنی از آن بهره میگیرد.

«سبک‌شناسی، موفقترین عملکرد خود را در قلمرو سبکهای فردی تجربه میکند و دقیقترین اطلاعات مربوط به مؤلف و فردیت، عقیده، ذهنیت، احساسات، عواطف و باورهای او را در اختیار پژوهشگران نقد ادبی، تاریخ ادبیات، روانشناسی و جامعه‌شناسی قرار میدهد» (سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی: ص ۹۴).

۲-۳- گفتگومندی^۱

بهتر است برای روشنتر شدن مفهوم گفتگومندی در رمان به تعریفی که باختین از رمان ارائه میکند نیم‌نگاهی بیندازیم: «رمان، مجموعه متنوعی از انواع گفتارهای اجتماعی و صداهای فردی است که هنرمندانه سازمان یافته است» (تخیل مکالمه‌ای، باختین: ص ۳۵۱). اجازه حضور سازماندهی این صداها در رمان موجد گفتگومندی رمان می‌گردد. در واقع گفتگومندی، توزیع مساوی صداها در یک متن است به گونه‌ای که تمام صداها حق حضور دارند و یک صدا بر دیگر صداها مسلط نیست. در گفتگومندی، رمان یک پدیده چند سبکی، چند زبانی و چند آوایی است و واژه «دیگری» در تفکر گفتگومند واژه‌ای بنیادین است. در چند صدایی، همه صداها به شیوه‌ی مساوی بازتابانده میشوند. به عبارتی چندصدایی، موجد گفتگومندی است و گفتگومندی بر «دیگری» در مقابل مؤلف دلالت دارد. همانطور که گفتگو در مقابل خودگویی یک گفتمان دست کم دو نفره را مطرح میکند. در اینجا تاکید بر صداهای گوناگون است که همگی دارای یک حق مساوی هستند و هیچ یک بر دیگری غلبه ندارد. از نظر باختین گفتار همیشه باگفتارهای دیگر در ارتباط است. از این رو روابط بیناگفتاری را با عنوان گفتگومندی مورد بررسی قرار میدهد (چندصدایی باختینی و پساباختینی، نامور مطلق: ۱۱-۳۲).

۱-۲-۳- بینا‌متنیت^۲

بینامتنیت از مؤلفه‌های مهم در یک متن گفتگومند است که زمینه گفتگودر بین متون را اثبات میکند و یک پشتوانه با اصالت را به نمایش می‌گذارد. «بینامتنی در حکم اجزای رابط سخن است که به متن امکان میدهد، معنا داشته باشد. بارت معتقد است که هیچ مؤلفی به یاری ذهن اصیل خود به آفرینش هنری دست نمیزند، بلکه هر اثر واگویه‌ای از مراکز شناخته و ناشناخته فرهنگ است» (ساختار و تاویل متن، احمدی: ص ۳۲۷).

^۱ Dialogism

^۲ Intertextuality

۲-۲-۳- کارناوال^۱

کارناوال گونه ای بیان ادبیات غیررسمی و تجسمی از ادبیات عامیانه است که در تقابل و گفتگویی جدل واره با فرهنگ و ادبیات رسمی است. بنابراین موجد یک بافت و متن گفتگومند و چندصدا میباشد.

«نوشتار کارناوالی بر اساس وارونگی، وارونگی بالا و پایین، اصل و قلب، عالی و دانی و حضور و نفوذ فرهنگ مردمی در ادبیات استوار است. این جسم دانی و زمینی در ادبیات مردمی حضوری گسترده دارد و نقش اساسی ایفا میکند (باختین، گفتگومندی و چند صدایی، نامور مطلق: ص ۴۰۹).

نمودهای کارناوال را در متون میتوان با سه ساختار جستجو کرد که عبارتند از:

- ۱- نمایشهای آیینی
- ۲- سخنرانیهای کمیک
- ۳- ژانرهای مختلف زبان ناسزا

۳-۲-۳- چندصدایی^۲

مفهوم چندصدایی تقریباً مترادف با گفتگومندی است و «در بین انواع سخن در رمان این گفتار دوسویه است که می تواند چند صدایی را در اثر ایجاد کند» (میخائیل باختین، زندگی و اندیشه ها و مفاهیم بنیادین، غلامحسین زاده: ص ۱۲۲). و به چهار بخش تقسیم می شود که عبارتند از:

۱-۳-۲-۳- سبکپرداری^۳

در سبکپرداری، نویسنده سبک خاصی را بکار میگیرد که در آن ارزشها و مفاهیم و جهانبینی شخصیتها با جهانبینی و اعتقادات خودش همخوانی دارد. در سبکپرداری نزدیکی بین قهرمان با آفریننده اثر محسوس است.

۲-۳-۲-۳- نقیضه^۴

در نقیضه، نویسنده سبکی را وام میگیرد که در جهت مخالف و یا ناهمخوان با ارزشها و جهانبینی خود اوست. در نقیضه شخصیتها ایدئولوژی و جهانبینی خلاف جهانبینی نویسنده دارند و بر خلاف سبکپرداری که نویسنده و شخصیتها رویکرد همگرا دارند در

^۱ Carnival

^۲ Polyphony

^۳ Stylization

^۴ Parody

نقیضه نویسنده رویکرد واگرایی نسبت به شخصیتها دارد. وجود سخنانی مخالف عرف و سنت جامعه در متن نیز از دیگر معانی نقیضه است. (میخاییل باختین، زندگی، اندیشه ها و مفاهیم بنیادین، غلامحسین زاده و غلامپور: ص ۱۲۲).

۳-۳-۳-۳-۳ جدل نهانی^۱

جدل نهانی، حضور محسوس دیگری در گفتار است. گویی هر مطلب، گفتاری است که در پاسخ به سخنان «دیگری» شکل گرفته است. «در جدل درمورد موضوع بحث شک و تردید وجود دارد و نویسنده جنبه اقتدارگرایانه خود را از دست میدهد» (منطق گفتگویی میخاییل باختین، تودوروف: ص ۱۳۹).

۴-۳-۲-۳-۲ چندزبانی^۲

مقوله چندزبانی، زمینه سازی قوی برای گفتگومندی و چندصدایی است، یعنی در هم آمیختگی ایدئولوژیهاست و عدم مجانست زبانها را بازنمایی میکند. اصطلاح چندزبانی «برای توصیف لایه های کلامی بیشماری که درهمه زبانها وجود دارد و برای توصیف روشهای تسلط این لایه ها بر عملکرد معنا در گفتار، ابداع شده است» (دانشنامه نظریه های ادبی معاصر، مکاریک: ص ۱۰۳). این تعریف مطلب را روشنتر میسازد که: «چندزبانی به معنای به رسمیت شناختن زبانهای متفاوت در گروه های اجتماعی، صنفی و جنبشهای طبقاتی و ادبی مختلف است» (منطق گفتگویی میخاییل باختین، تودوروف: ۱۱۵). به عبارتی، چندزبانی حاصل تقویت نیروی مرکزگرای زبان است که نتیجه آن مکالمه میان انواع گفتمانها و ایدئولوژیهاست.

۴- بحث و بررسی

۴-۱- معرفی رمانهای مورد مطالعه

۴-۱-۱- سووشون

نویسنده این رمان، بانو سیمین دانشور از جمله زنان موفقی است که ستاره ای درخشان در تاریخ ادبیات منثور فارسی محسوب میشود. انتشارات خوارزمی این شاهکار ادبی را در سال ۱۳۴۸ در شهر تهران به چاپ رساند. دانشور در این اثر برجسته به تحولات سیاسی و اجتماعی فرهنگ و هویت اخلاق مداری و..... پرداخته است. اوج هنر و داستان نویسی دانشور در این رمان رخ مینماید.

^۱-Hidden Polemic

^۲-Heteroglossia

روند داستان این رمان بدین شرح است که نویسنده تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در سالهای جنگ جهانی دوم در شهر شیراز را به تصویر میکشد و با حدیث خون سیاوشان هنرمندانه به آن جنبه حماسی و اساطیری میبخشد. زری شخصیت اصلی داستان است که تقریباً همه قصه حول محور او میچرخد و این امر اولین نشان گفتمان زنانه در این اثر است.

۲-۱-۴- کولی کنار آتش

منیرو روانپیور، داستان کولی کنار آتش را در اقلیم جنوب ایران و در فضایی برآمده از طبیعت، در کنار دریا و دردل مردم بومی وسنتگرای جنوب، پرورده است و خصایص و سنن و آداب و رسوم این قوم را به چالش کشیده است که در سیر داستان این چالش را به فرهنگ تمام ملت ایران میکشاند. «داستانهای اقلیمی بر مبنای خصوصیات منطقه ای به ویژه در شمال و جنوب نوشته میشوند و تجسم شیوه های خاص زندگی مردم در این نواحی و بیان سنتها و ارزشهای معمول آنها در کنار جلوه های رنگارنگ زندگی در این مرز و بوم، نشانگر نوعی بازگشت به ارزشهای بومی نیز هست» (فرهنگ داستان نویسان ایران از آغاز تا امروز، میر عابدینی: ص ۳۹۹).

رمان کولی کنار آتش، رمانی پسامدرن با اسلوب فراداستان است. اصطلاح فراداستان را نخستین بار ویلیام گس^۴، رمان نویس و منتقد آمریکایی، در یکی از مقالاتش برای اشاره به آن دسته از آثار ادبیات داستانی به کار برد که داستان بودن خود را از خواننده پنهان نمیکنند و حتی با پرداختن به مسائل داستان نویسی دائم به خواننده یادآور میشوند که آن چه میخوانند صرفاً داستان است. در فرا داستان نویسنده از یک سو دنیای داستانی (شبه واقعیت) میسازد و از سوی دیگر تصنعی بودن این دنیای داستانی را نشان میدهد (داستان کوتاه در ایران، داستانهای پسامدرن، پاینده: ص ۱۶).

۳-۱-۴- طوبی و معنای شب

شهرنوش پارسپیور در پرداخت داستان طوبی و معنای شب از ژانر رئالیسم جادویی بهره برده است. این ژانر اغلب برای بیان احوال طبقه تحت ستم استفاده شده است. زنان، به زعم نویسنده، طبقه ای تحت ستم هستند و این ژانر، دست افزار خوبی برای بیان حالات دنیای درهم آمیخته این نیمه تحت ستم جامعه است.

^۴ William gass

اصلی‌ترین دغدغه نویسنده در این رمان رنج و درد حاکم بر زنان در طول تاریخ است و وقایع این رمان در دوران قاجار و پهلوی اول می‌گذرد. در دوره ای که زن صاحب صدا نیست و در گفتگوها کمترین حق را دارد.

۴-۱-۴- عادت میکنیم

زویا پیرزاد نویسنده‌ای با دغدغه‌های زنانه است و در رمانهایش، به منظور اعتلای سخن زنانه، راوی را یک زن انتخاب کرده است تا دنیای رمان بازتاب این دغدغه‌ها از زبان زنان باشد. قهرمان زن در داستانهای پیرزاد فاعل سخنگوست. به ویژه در رمان عادت میکنیم. در این رمان شخصیت‌های زن بیش از مردان حضور دارند.

قهرمان این داستان، آرزو صارمی، زنی از جنسی دیگر است شخصیتی پویا که خود را با دنیای پیرامونش وفق میدهد و بر مشکلات غلبه میکند زنی که در جامعه سنتی شغلی تقریباً مردانه دارد و به اصطلاح نان آور خانواده است و دختری است که به جای پسر متولد شده است. این شخصیت پویا در غم از دست دادن ازدواج اولش نیست بلکه اشتباه اولش را تصحیح میکند. ساختار شخصیتی این قهرمان، چون خط سیر داستان خطی و متعالی است.

۴-۱-۵- خانه ادریسیها

غزاله علیزاده، رمان خانه ادریسیها را با نگرشی ویژه به تحولات اجتماعی و سیاسی معاصر نگاشته است و در آن هویت مستقل زن را در فرایند رشد تحولات اجتماعی جستجو کرده است. درونمایه داستان، قصه زن بودن است؛ زنانی قربانی، قربانیانی که همواره در ترس و دلهره و غم هستند و در تلاش برای تغییر و تحول. تعبیر انقلاب در این رمان میتواند، اشاره به تغییر شخصیت‌های رمان باشد که رو به پویایی نهادند. شخصیت صاحب صدا و انقلابی داستان، قهرمان شوکت، زنی با اقتدار است که مردان از او حساب می‌برند و این هنجارشکنی از نوع انقلابی در سنت‌های کلیشه‌ای مردسالار محسوب میشود.

۴-۲- تحلیل سبکی رمانها از منظر گفتگومندی

۴-۲-۱- سووشون

الف (بینامتنیت

سووشون یک عنوان گفتگومند است. عنوانی که از پیش متنی قوی، داستان سیاوش در حماسه سترگ ملی ایران، برخوردار است و ارتباطی تنگاتنگ با آیینی مردمی در آداب ملتی کهن دارد، سوگوارهای مردم فارس با عنوان سووشون که به تنهایی لایه‌های متعدد گفتگوی چندگانه فرهنگ مردمی را به نمایش می‌گذارد، نمودی از پاکترین چهره ملی (سیاوش در شاهنامه)، مظلومترین و مقدس‌ترین شخصیت شیعه (امام حسین (ع)) در

فرهنگ عاشورا را به ظهور میرساند. گویی شاهد گفتگوی همدلانه بین فرهنگ دینی و ملی یک ملت هستیم و این روند پلی فونی را تا انجام داستان میشنویم. قحطی و کمبود نان و شخصیت یوسف که ناجی رعیت و گرسنگان است در تمام طول داستان با داستان حضرت یوسف به عنوان پیشمتن ارتباط برقرار می کند. و داستان بر پایه بخشی از تاریخ تاریک مملکت نگاشته شده است که این بخش از تاریخ پیش متن این رمان محسوب می شود.

ب) کارناوال

مفهوم کارناوال با اشاره ای زیبا در مفهوم مراسم آیینی در استان فارس که تلفیقی ملی - مذهبی از سوگواره سیاوش، قهرمان شاهنامه، با آیین های مذهبی در رثای امام حسین (ع) است نمایی تمام و کامل از یک کارناوال را به نمایش می گذارد. آنجا که زری پای نقل زن میانه سال خوشه چین می نشیند و خوشه چین برایش از سوگواره سووشون می گوید:

« ما که برسیم دهل میزنند طبل میزنند... ما وارد میشویم دورتادور، میدان میگیریم جای داغ میاورند. نان پادرازی، نان زنجبیلی، شربت، گلاب... انگورریش بابا... ناهار و شام... وسط میدان هیمة گذاشته اند. آتش میکنند... ما عورتها کل میزنیم، هلله میکنیم مرد ها غیه میکشند... پسر ها شافوت میزنند، طبل میزنند یکهو میبینی آفتاب تیغ کشید.» (سووشون، دانشور: ص ۲۷۰).

در این مراسم بجای ریشخند و تمسخر که مصادیق کارناوالی است، اشک و آه و همدلی ملتی متمایل به اندوه و رنج و درد است. نمایش انگلیسیها در روز عقد دختر حاکم که برای روحیه به سربازان انگلیسی ترتیب دادند و مترسکی از هیتلر که به نوعی برای توهین و تحقیر و به سخره کشیدن ساختار قدرت ساخته شد. حال و هوا و فضای داستان را در همان صحنه های آغازین کارناوالی مینماید (همان، ص ۹).

ج) چندصدایی

در همان صفحات آغازین داستان، آوای حق بجانب استعمار را در شخصیت های خانم حکیم و سر جنت زینگر، میشنویم. چرا که « استعمار انگلیس در شیراز منحصر به فرد بوده و در هیچ جای دیگر در ایران به این شکل وجود نداشته است » (جدال نقش با نقاش، گلشیری: ص ۲۱۲). آوای درد و بیماری، جامعه ای بیمار که در تب محرقه، تیفوس میسوزد.

« مردها و زنها را در تیفوس میبینی که تقلا میکنند » (سووشون، دانشور: ص ۱۰۸)، بیانی آبرونیک و روزنه دار از یک جامعه بیمار است. جامعه ای بیمار که در آن ریاکاران و

قاچاقچیان و جاسوسان و فرصت طلب‌ها و... لایه رویی موفق جامعه‌اند، وکالت خان کاکا و چاپ سپاسنامه از عزت الدوله (همان، ص ۲۳۹) نمودهایی از این دستند. آوای مذهب با نمودهای گوناگون پلی فونی زیبایی از ادیان را به گوش میرساند. دین اسلام، باورهای هندوان و آموزه‌های مسیح در کنارهم، به موازات به ابراز وجود میپردازند. آوای ناساز سیاست، بی اعتباری قانون و حاکمیت ظلم و ستم و حضور اجانب و خودفروختگان وطنفروش که در گفتاری روزنه دار از نوع سبک‌پردازی به گوش میرسد. «خان کاکا آهسته گفت: داداش بیخود لج میکنی هر چه باشد اینها مهمان هستند... هر چه باشد صاحب اختیار آنها هستند.» (همان، ص ۱۶)

دانشور، خواننده را در همان سطور اولیه داستان با ایدئولوژی یوسف که در نهایت جان در راه فریاد آن میبازد؛ آشنا میکند. وگفتمان مقاومت را از همان اول با این دیالوگ یوسف آغاز میکند:

«یوسف تا چشمش به نان افتاد گفت: گوساله‌ها چطور دسته میرغضب شان را می بوسند! ...» (همان: ص ۵).

زری شخصیتی با گفتمانهای چندگانه مستقل است که به زیبایی جدل نهانی را مینمایاند. هراس اولین گفتمانی است که از شخصیت زری به گوش میرسد: «تو را خدا یک امشب را بگذار ته دلم از حرف هایت نلرزد» (همان، ص ۵۰). در ادامه اما من دیگری از زری، روی مینماید. شخصیتی که آوای مقاومت از او به گوش میرسد:

«چراغ‌های ذهنش روشن بود او میدانست که دیگر هیچ کس در این دنیا نخواهد توانست آن چراغها را خاموش کند آب دهانش را فروداد و گفت همه کارهایی را که میخواهید بکنید همین امروز بکنید اگر حالا نکنید دیگر هیچ وقت فرصت نیست» (همان، ص ۲۹۱).

د) چندزبانی

چندزبانی در این رمان نمودهای مختلفی دارد از جمله:

لهجه‌ها و گویشها:

«زری: تا تو میخ مو کردی مو شمردم صد و سی مورچه که رفت تو ای سوراخو» (همان، ص ۲۹). «گفت: بو سگ تو زنده ای وخی. دیدم خوابیدی، نوغان روبده وخی وخی» (همان، ص ۲۰۳).

ضرب المثل‌ها و کنایات:

«به قول خان کاکا آش خودشان را میخورند و حلیم دیگران را هم میزنند» (همان، ص ۳۸). «کفش بده کلاه بده دوقازونیم بالا بده» (همان، ص ۳۸).

آیات و اشعار کلاسیک:

«کفاف کی دهد این باده ها به مستی ما؟» (همان، ص ۳۳).

اصطلاحات و واژگان بومی: پیرسوک: پرستو - چیلو: لوچ - عنک کردن: دست انداختن.

۲-۲-۴- کولی کنار آتش

الف) بینامتنیت

رمان کولی کنار آتش، رمانی پسامدرن است و «متون پسامدرن به نحوی تعمّدی و آگاهانه از متون پیشین خود بهره میبرند و بینامتنیت را آشکارا در خدمت القای معانی متون پیشین و تزریق آن ها به متن جدید به کار میگیرند» (پسامدرنیسم در ادبیات ایران، تدینی: ص ۲۹۸).

شاهنامه فردوسی داستان حضور کولیه‌ها به ایران را به زمان بهرام گور نسبت میدهد و آنان را لوریان مینامد:

«از آن لوریان برگزین ده هزار نر و ماده بر زخم بریط سوار
که استاد بر زخم دستان بود وز آوازشان رامش جان بود»
(شاهنامه مسکوک، ج ۷، ب)

۲۵۵۸ و ۲۵۵۹.

در شاهنامه منشور ثعالبی آمده است: «بهرام آنان را در همه کشور پراکند و به مردم فرمان داد تا ایشان را به کار گیرند و آوازشان بهره برند و مزد آنان بگزارند» (تاریخ غررالسیر، ثعالبی: ص ۳۲۵).

کتاب کولی و زندگی او (۱۳۳۷)، اثر یحیی ذکا، پیش متن علمی برای این رمان است. بین این رمان و کولیه‌ها اثر زاهاریاستانکو، از نظر محتوا، نمایه‌های زندگی و آداب و سنن کولیه‌ها، ارتباط بینا متنی قابل توجهی برقرار است.

این داستان با آموزشهای دین مسیحیت نیز ارتباط بینامتنی برقرار کرده است از جمله هم‌آیندی آینه با مریم مجدلیه که «زنی تنفروش و زیبا روی بود. اهل شهر به دنبال وی میفتند که سنگسارش کنند. عیسی (ع) نجاتش میدهد و او از حواریون عیسی میگردد» (انجیل یوحنا - باب هشتم - آیات ۱ تا ۱۱).

ب) چند صدایی

مهمترین شگرد روانی پور در این رمان برای ایجاد گفتگومندی، استفاده از زوایای دید متعدد است. در این رمان «نویسنده میخواهد از طریق نوسان در ساختار روایت سرگردانی شخصیت اصلی آینه را بازگو کند تا خواننده نیز در پیچیدگی داستان سرگردان شود و از این طریق با شخصیت رمان همزاد پنداری کند» (بررسی جامعه شناختی رمان کولی

کنار آتش و جزیره سرگردانی، مرادی: ص ۱۴۷). «تعدد راویها در صورتی جالب و تاثیرانگیز است که همه راویها دیدگاه همسانی نداشته باشند» (درآمدی بر داستان نویسی و روایت‌شناسی، بی‌نیاز: ص ۸۹).

روانی پور در فضای داستان به گفتمانهای متعدد فرصت ابراز وجود داده است. اما بلندترین صدا در این داستان که اغلب، گفتمان دوسویه از نوع سبک‌برداری است، فریاد اعتراض به ظلم علیه زنان و اعتراض به سنتها و تبعیت کورکورانه از آنهاست: «پدر موهایت را دور دست می‌پیچاند تو را تا میدانگاه روی سنگ و سنگلاخ میکشد قافله منتظر ایستاده است. روز اول روز پدر است میزند تا خسته شود آنگاه، نوبت به مردان قافله میرسد» (کولی کنار آتش، روانپور: ص ۲۸).

صدای آشفته جامعه پرهرج و مرج و آکنده از خشونت دوران انقلاب را میتوان در لابلای گفتار روزنه داری با ساختار سبک‌برداری که حسرت صلح و آرامش از آن شنیده میشود، شنید:

«این روزها همه توی خیابان زندگی میکنند دیگه مملکت به هیچی نیاز نداره نه هتل، نه کارخانه، نه اداره، فقط...» (همان، ص ۱۴۷).

در نقیضه ای آشکار جدال بین احزاب مختلف را به گوش میرساند: «صداها با هم گلاویز شدن، یقه همدیگر را گرفتن روی زمین افتادن و همدیگر را خاک کردن...» (همان، ص ۱۴۹).

محوریت رمان کولی کنار آتش بر اساس شخصیت آینه است که در درازای داستان شخصیتی پویا دارد. «شخصیت پویا در داستان دستخوش تغییر و تحول میگردد» (جامعه‌شناسی شخصیت در رمان فارسی، طهماسبی: ص ۴۱). و آینه شخصیتی صاحب اراده است که گاهی به صراحت نویسنده و راوی را به سخره میگیرد و از اراده نویسنده سرمیتاباند: «لذت را زیر دهانم مزه مزه میکنم. لذت بازی دادن کسی که در مقابل سازنده اش طغیان کرده.» کثافت چرا نمی گذاری زندگی کنم؟ ... " (کولی کنار آتش، روانپور: ص ۱۳۹)

ج) چندزبانی

نمود چندزبانی در این رمان عبارتند از: زبان عامیانه و ژانرهای دیگر: «راست و حسینیش نوکرت هیچکی رونمیشناسه..... حاجیت اینطوری وارد معرکه شده بخاطر وجود نازنین شوما» (کولی کنار آتش، روانپور: ص ۱۴۳).

واژگان بومی: بی تاجیک چی میگفت؟ (همان، ص ۱). به دنبال تفکهای فلفل میگردند (همان، ص ۱۲).

انواع الحاقی:

خلاصه داستانهای کولیها «چاق میشه چله ...» (همان، ص ۱۷) «گنگو گنا سرش حنا» (همان، ص ۵۳). متونی که منشا آن نویسنده نیست: «سر او مد زمستون. شکفته بهارون.....» (همان، ص ۱۴۸).

۳-۲-۴- طوبی و معنای شب

الف (بینامتنیت

نخستین دریافت‌های بینامتنی این رمان در عنوان آن متجلی است «طوبی نام درختی است در بهشت که خداوند به دست خویش کاشته است» (وسائل الشیعه، حرعاملی: ص ۳۲۴). نام این درخت در قرآن کریم نیز ذکر شده است «الذین آمنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن ماب» (رعد/ ۲۹). تکیه دیگر پیشامتنی رمان بر حکمت اشراق است. در عمق این نگرش عرفانی، طوبی تجلی سی مرغ است که زمین به برکت آن بارور میشود و فرزندان خود را که آینده‌ای از نور و ظلمتند میزاید و میپروراند (عقل سرخ، سپهرودی: ص ۲۳۳).

طوبی و معنای شب، رمانی با ژانر رئالیسم جادویی است که همین امر این رمان را با صد سال تنهایی مارکز پیوند میزند و بین این دو رمان، رابطه بینامتنیتی برقرار است. بوف کور صادق هدایت و صفحات تاریخ قاجار و پهلوی، پیش متن حوادث داستان است. در بخشی از داستان با دین مسیحیت و در بخشی دیگر با دراویش اهل طریقت همراه هستیم. اندیشه های لائوتسه و فلسفه چین باستان و عرفان شرق پیش متن این رمان محسوب میشوند.

ب) چندصدایی

ژانر رئالیسم جادویی از ژانرهای پسامدرن در داستان نویسی است. به واسطه ساختار مواجهه سنت با مدرنیته مبنای گفتگومندی را در خود دارد و مواجهه سنت با دنیای مدرنیته و در معنای عامتر مواجهه خود با دیگری را میتوان، درونمایه اصلی رمان طوبا و معنای شب دانست. بنابراین این مؤلفه مهمترین عامل گفتگومندی این رمان محسوب میشود.

در همان صفحات آغازین با حاجی ادیب آشنا میشویم. مردی اهل علم و سنت. نخستین مواجهه و رویارویی در خانه مشیرالدوله صورت میگیرد. خانه با چیدمان و امکانات مدرن که در قالب نقیضه با ساختار شخصیتی حاجی ادیب به عنوان نماینده سنت، حال و هوا و فضای داستان را چندصدایی میکند «طوبی و معنای شب، پارسپور: ص ۱۵).

آغاز داستان گفتار دوسویه ای است که در پس ظاهر داستان، حال و هوا و فضای آبرونیکی را پرورش داده است. حرف از هفت سال خشکسالی است که اکنون به پایان رسیده است. خشکسالی که حاصل آن لجن چسبناک و خشکیده در دیوارهای حوض

است. این خشکسالی بیانی آیرونیکی از شرایط زندگی قهرمان داستان، که نماد زن متفاوت ایرانیست، دارد. زنی که در خشکسالی احساس و بلوغ و کمال به رکود و خمودی متهم است و به سنت‌های خشک، گردن نهاده است. خاک تشنه در اسارت رویای آب، همان بانوی ایرانی است که در آرزوی رحمت آزادی است. زنی که با تمام جوانی و زیبایی متهم به نحسی و ملعونی است. هموست که موجب خشکسالی و تیره روزی است (همان، ص ۱۱). صدای اعتراض به خفقان اجتماعی، در دستگیری و زندانی شدن اسماعیل به گوش میرسد (همان، ص ۳۱۹). عقیم‌شدن مونس و رنج نازایی، صدای نمادینی از سترون بودن عشق آتشین در دنیای اسیر سنتهاست (همان، ص ۳۳۲).

ج) چندزبانی

عناصر چندزبانی در این رمان عبارتند از :

کاربرد برخی اشعار شاعران کلاسیک :

« هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش » (همان، ۱۱۸)

« آسمان بار امانت نتوانست کشید / قرعه فال به نام من دیوانه زدند » (همان، ۲۷۱).

بهره‌گیری از مثل‌های عامیانه:

« دماغ سربالای خواهرش و بادمجان دور قاب چین‌های درباری » (همان، ۱۶۱).

واژگان فرنگی :

« مردم از ایر پلین حرف میزدن که در آسمان پرواز میکرد » (همان، ۱۱۹).

۴-۲-۴- عادت می‌کنیم

الف) بینامتنیت

تکیه بینامتنی این رمان به برخی مسائل اجتماعی و سیاسی وقت مانند جنگ و پیامدهای ناگوار آن میباشد که در بخشهای محدودی از داستان به آن بر میخوریم و اشاراتی مختصر به شرایط سیاسی و اجتماعی را شاهد هستیم.

ب) چند صدایی

عادت میکنیم رمانیست با زبانی ساده که نویسنده همچون دیگر آثارش طی یک روایت خطی دغدغه‌های زندگی خانوادگی زنان و روزمرگیهایشان را به تصویر کشیده است. این رمان عرصه گفتمانی زنانه از قشر تحصیل کرده و مرفه جامعه است. نویسنده در این رمان به سه نسل از زنان یک خانواده فرصت ابراز وجود داده است و هریک از این افراد در واقع نماینده نسل خود در جامعه معاصرند و در بیان عقاید و آرایشان استقلال دارند و تقابلها و رویاروییهای آنان را به نمایش نهاده است. آرزو صارمی در کنار دونسل قبل و بعد خود در این رمان نمودی از زنان هم‌نسلش، زنی است که فاصله جنسیت را درنور دیده و جایگاهی

محکم در کنار مردان دارد و گفتمان شخصیتش در تقابل با مادر و دخترش عصاره گفتگومندی داستان است. مادری که از شخصیتی نیمه اشرافی برخوردار است و نمودی از ساختار زن سنتی و وابسته به مرد است. و دختری با افکار و اندیشه های نسل نو و در تقابل با اندیشه های مادر، فرصت طلب و زیاده خواه. پیرزاد در این رمان، این تقابل گفتمانی را به زیبایی به کار برده است و پلیفونی آواهای این سه نسل را هنرمندانه به گوش مخاطب رسانده است.

رمان با توجه به عامل جنسیت، گفتار مردانه را در حاشیه قرار داده اما برای نشان دادن وجود دیگری در اثر به گفتمان مردانه اجازه حضور داده است. وجود سهراب زرجو که در طنز گفتاری شارژری برای آرزوست (عادت میکنیم، پیرزاد: ص ۱۲۳)؛ با ته رنگی از تائید برای احساس زنانگی به آرزو می گوید:

«من هم بعضی وقتها گریه میکنم» (همان، ص ۱۱۸). نشانی بارز از سبکپرداری و اهمیت دادن به وجود دنیای مردانه برای تعالی دنیای زنان است. نویسنده دلزده از شعارهای افراطی فمینیستی، به صراحت میگوید: «این فمینیسم بازی گند زده به همه زندگی ما» (همان، ص ۲۳۵).

ج) چند زبانی

از نمودهای بارز چندزبانی در این رمان که آن را به ساختار یک رمان گفتگومند نزدیک میکند، زبان عامیانه و ژانرهای دیگر است مانند: «بابا دست فرمون (همان، ص ۷)». یاد بگیر جوجه (همان). «رنو توی قوطی کبریت هم پارک شده» (همان). استفاده از ضرب المثله: «باز فیلش یاد پاریس کرده» (همان، ص ۱۱). «برای کسی که بداند چه میخواهد و فکر نکند در سوییچ زندگی میکنیم با ساز که هیچ با اخبار رادیو هم میرقصم» (همان، ص ۱۶).

کلمات و عبارات بیگانه: «ژاک برل» (همان، ص ۳۳). «روئن له پن» (همان).

۵-۲-۴- خانه ادریسیها

الف) بینامتنیت

این رمان با کتاب مزرعه حیوانات (۱۹۴۴) از نظر درونمایه رابطه بینامتنی برقرار کرده است. از سویی دیگر بر مفاهیمی از عرفان و تاریخ باستان و اساطیر ایرانی در شاهنامه و اساطیر هند و یونان تکیه بینامتنی دارد. داستان در شهری به نام عشق آباد میگذرد که بر خرابه های شهر نسا بنا شده است و برخی اسامی قهرمانان که از پهلوانان شاهنامه گرفته شده مانند قهرمان قباد که چون قباد شاهنامه در کوهها زندگی میکند و در بخشی از داستان میخوانیم که:

«اسم آن بچه کوبید است، ایزد عشق، زاده آفرودیت و هرمس، با چشم بسته تیر میاندازد و...» (خانه ادریسیه، علیزاده: ص ۴۲۸). قهرمان شوکت ادعا میکند که: «عنصرم از آتش است همچون عنصر اژدها» (همان، ص ۳۲۴). و جاودانگی عنصری است که در روح رکسانا حلول کرده است و اهالی خانه با دیدن او گمان کردند که لوبا برگشته است (همان، ص ۵۰۶).

ب) چندصدایی

خانه ادریسیه، خانه ای اشرافیست که به دنبال یک انقلاب، گروهی ناهمگن از طبقات مختلف مردم، برای سکونت به آن خانه فرستاده شدند. علیزاده در این رمان به خوبی از عهده همنشینی این اقشار برآمده و صدهای متنوعی از این اختلافات را به گوش مخاطب میرساند. «مهمترین صدایی که در حال و هوا و فضای آن زمان به گوش میرسد، صدای درونمایه رمان، تولد دوباره و باززایی است» (درد جاودانگی، ستاری: ص ۱۳۸).

«آغاز روایت خانه ادریسی‌ها یک خانه است که به ساخت صلیبی داستان بدل گشته است تا تصویر اصلی رمان را برای تعمیم به جامعه و جهان فراهم آورد» (پیچیدگیهای سرنوشت یک خانه، مختاری، ص ۶۰۸). ساخت صلیبی با دو محور افقی و عمودی در داستان شکل میگیرد. در همان سطور اولیه، آوای محور افقی با حضور چهار عضو اصلی داستان ترسیم میشود. آهنگ یکنواخت و معمول از زندگی اشرافی فضای داستان را پر کرده است. اما محور عمودی داستان، صدایی خشن و ناهمواری دارد و گفتگوی دو محور نقیضه ای است؛ جالب توجه که یک پلی فونی شنیدنی را به گوش میرساند: «هم اغتشاش همراه می‌آورند و هم اصطحاکاک» (همان، ص ۶۱۶). از کردار و رفتارشان پوزخندی بی ملاحظه به گوش میرسد و گاهی از در تحقیر همه چیز را سریع و صریح می‌طلبند.

درونمایه اصلی این داستان مبارزه است. همه جا صدای مبارزه به گوش میرسد. مبارزه با ظلم با جباریت و محدودیت، مبارزه باضعفها و نقصها. هر کدام از اعضای این خانه به صورت جداگانه و همه آنها به صورت کلی در حال مبارزه هستند. ترس لقا از بوی مرد، مبارزه روحی او با قیود مردسالارانه است که سالهاست زنان خاندان را به بند کشیده است. لیچارگوییهای شوکت روشی برای مبارزه با کسانی است که به خاطر وضعیت ظاهری و فرهنگی او را دست کم میگیرند حتی وهاب هم به صورت خاموش در حال مبارزه است، مبارزه با زمان حال و با هر آنچه یاد رخیلا را مخدوش کند.

ج) چندزبانی

نمودهای چند زبانی در این رمان عبارتند از: داستانهای اساطیری که منشا آن نویسنده نیست:

«زاده آفرودیت و هرمس است، لقاء ادامه میدهد با چشم بسته تیر میندازد؛ تیر او به هر قلبی بخورد درد عشق را تا دم مرگ به همراه دارد» (همان، ۴۲۸). کاربرد کلمات و اصطلاحات عامیانه: «اینجا زندگی نظم و ترتیب دارد، اگر برای تو سخت است با زبر و زیر قلتق سیاه برزنگی ها هی سر و ته بجنبان! رقص ماه و خورشید بکن» (همان، ۱۱۵). «اگر بدانم این ننه سگ کیست زنده زنده کبابش میکنم» (همان، ۱۹۶).

۵- نتیجه گیری

این پژوهش به منظور تحلیل ویژگیهای سبکی از دیدگاه گفتگومندی در آثار داستان نویسان زن معاصر (دهه های ۴۰ تا ۸۰ شمسی) انجام شد و به پنج رمان شاخص معاصر با نویسندگان بانو، از منظر گفتگومندی نگریسته است. در تبیین یافته های مذکور به این نتیجه رسیده است که نویسندگان زن در دهه های چهل تا هشتاد ضمن حفظ گفتمان زنانه به کمک توصیفات و واژگان و اصطلاحات خاص و توجه به مولفه های گفتمان زنانه شگردهای مختلف را برای ایجاد یک متن چند آوا به کار برده اند. و تا حدی در این امر موفق بوده اند. بیشترین تکیه این نویسندگان برای ایجاد یک بافت گفتگومند در متن، استفاده از عنصر چند زبانی و چند صدایی با ساختار سبکپردازی است که همین امر گفتمان غالب متن را به سوی نظر نویسنده متمایل کرده و از بار گفتگومندی متن کاسته است.

رمان سووشون با توجه به تنوع مولفه های گفتگو مندی، از جمله وجود کارناوال که در سایر رمانها یافت نشد؛ همچنین تنوع بیشتر لایه های گفتمانی و چند زبانی نسبت به رمانهای دیگر به گفتگومندی نزدیکتر است. و گفتگومندی یک مولفه سبکی برای خانم دانشور محسوب میشود.

صدای مقاومت در برابر ظلم و ستم اجتماعی و سیاسی، آوای بلند مشترکی است که نویسندگان رمانهای مورد مطالعه به آن پرداخته اند. گفتمان مشترک همه این رمانها اعتراض به ظلم و ستم حاکم بر زنان است.

گفتگومندی نشان بلوغ جامعه بشری است و جا دارد که در نقد و تحلیل رمان که آینه تمام نمای اجتماع است، بیشتر مورد توجه قرار گیرد و پژوهشگران این حوزه علمی و ادبی نسبت به این نوع تحلیل و بررسی امعان نظر بیشتری داشته باشند.

از جمله موانعی که مسیر این پژوهش را دچار اختلال کرد، کمبود منابع با ترجمه های پیراسته و روان بود. لذا جا دارد که مترجمان متخصص دست به کار شده و ترجمه هایی روان از مبانی نظریه این رویکرد عملی روانه بازار کنند تا نیاز علاقمندان به پژوهش در این رویکرد مرتفع گردد.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم، ۱۳۸۷، ترجمه ناصر مکارم شیرازی. مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی، تهران.
- انجیل یوحنا، کتاب مقدس، ۱۳۷۸، عهد جدید، ترجمه فارسی، تهران، انجمن کتاب مقدس ایران
- ادبیات چیست؟ سارتر، ژان پل، ۱۳۷۰، ترجمه ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی، تهران، نشر زمان.
- ادبیات داستانی، قصه، رمانس، داستان کوتاه، رمان، میر صادقی، جمال، ۱۳۸۲، تهران، علمی
- اسطوره زن، تحلیل فلسفی رمان طوبا و معنای شب اثر شهرنوش پارسی پور علایی، مشیت، ۱۳۶۹، کلک. شماره ۱، صص ۶۳-۷۱
- ایران بین دو انقلاب، ابراهامیان، یرواند، ۱۳۷۹، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیمی فتاح، تهران، نشر نی
- باختین، گفتگومندی و چندصدایی، مطالعه پیشابینامتنیت باختین، نامور مطلق، بهمن، ۱۳۸۷، نشریه شناخت، شماره ۵۷. صص ۳۹۷-۴۱۳
- بررسی جامعه شناختی رمانهای کولی کنار آتش و جزیره سرگردانی، مرادی، روزبه، ۱۳۹۷، فصلنامه علمی پژوهشی، سال نهم، شماره دوم، صص ۱۲۳-۱۴۹
- پسامدرنیسم در ادبیات ایران، تدینی، منصوره، ۱۳۸۸، تهران، علم
- پیچیدگی سرنوشت یک خانه، خانه ادیسی ها، مختاری، محمد ۱۳۸۳، انتشارات توس، صص ۶۰۲-۶۱۸
- تحلیل جامعه شناسی سووشون براساس منطق مکالمه، محمدی افشار، هوشنگ و ببری، حمیدرضا، ۱۳۹۵، سومین کنگره بین المللی پژوهشهای کاربردی علوم انسانی اسلامی. استان گلستان. گرگان
- تحلیل گفتمان انتقادی، آقا گل زاده، فردوس، ۱۳۸۵، تهران، نشر علمی و فرهنگی
- تحلیل گفتمانی رمان کولی کنار آتش، روانی پور، منیرو. گرجی، مصطفی و درودگریان، فرهاد و میری، افسانه، ۱۳۹۱، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی بهار ادب، سال پنجم. شماره اول، صص ۷۹-۹۰
- تخیل مکالمه‌ای، جستارهایی درباره رمان، باختین، میخائیل میخائیلوویچ، ۱۳۸۷، ترجمه رویا پورآذر، تهران نشر نی

- جامعه شناسی شخصیت در رمان فارسی، طهماسبی، فرهاد و عالیشاهی، بهرخ، ۱۳۹۴، تحلیل جامعه شناسی شخصیت در بیست رمان برگزیده فارسی از ۱۳۰۰ تا ۱۳۸۰، تهران. اندیشمندان کسرا
- جدال نقش با نقاش در آثار سیمین دانشور، گلشیری، هوشنگ، ۱۳۷۶، تهران، نشر نیلوفر
- جنس دوم، دوبار، سیمون ۱۳۸۸، ترجمه قاسم صفوی، تهران، توس
- چندصدایی باختینی و پسا باختینی، تکوین و گسترش چندصدایی با تاکید بر هنر و ادبیات، نامور مطلق، بهمن و کنگرانی، منیژه، ۱۳۹۰، مجموعه مقالات گفتگومندی در هنر و ادبیات، تهران، سخن. صص ۱۱- ۳۲
- خانه ادیسیها، علیزاده، غزاله، ۱۳۹۵، تهران، انتشارات توس
- داستان کوتاه در ایران، داستان های معاصر، پاینده، حسین، ۱۳۸۹، جلد دوم، تهران، نشر نیلوفر
- دانشنامه نظریه های ادبی معاصر، مکاریک، ایرنا ریما، ۱۳۸۳، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران، آگاه
- درآمدی بر داستان نویسی و روایت شناسی، بی نیاز، فتح الله، (۱۳۸۸)، تهران، انتشارات افراز
- درباره نقد ادبی فرزند، عبدالحسین، ۱۳۹۲، تهران، قطره
- درد جاودانگی، خانه ادیسی ها، ستاری، جلال، ۱۳۸۳، تهران، انتشارات توس
- زنان در داستان، باقری، نرگس، ۱۳۷۸، تهران، مروارید.
- زیبایی شناسی و نظریه رمان، باختین، میخائیل میخائیلوویچ، ۱۳۸۳، ترجمه آذین حسین زاده، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات هنری
- ساختار و تاویل متن (نشانه شناسی و تاویل متن)، احمدی، بابک، ۱۳۷۰، تهران، مرکز
- سبک شناسی، بهار، محمد تقی، ۱۳۷۵، جلد ۱، چاپ هشتم، امیرکبیر، تهران
- سبک شناسی، نظریه ها، رویکردها و روشها، فتوحی، محمود، ۱۳۹۱، تهران، سخن
- سووشون، دانشور، سیمین، ۱۳۴۸، تهران، خوارزمی
- شاهنامه بر اساس چاپ مسکو، فردوسی، ابولقاسم، ۱۳۸۵، سعید حمیدیان، تهران، قطره
- شاهنامه منشورکهن پارسی، تاریخ غررالسیر، ثعالبی، حسین بن محمد، ۱۳۷۲، تصحیح محمد روحانی، مشهد، دانشگاه فردوسی
- شعار برابری در تابوت صورتی، اسلاملو، نعیمه، ۱۳۸۹، کرج، تلاوت آرامش
- صدسال داستان نویسی ایران، میرعابدینی، حسن، ۱۳۸۶، تهران، نشر چشمه
- طوبی و معنای شب، پارسی پور، شهرنوش، ۱۳۶۸، تهران، انتشارات اسپرک

- عادت میکنیم، پیرزاد، زویا، ۱۳۸۳، تهران، مرکز
- عشق و مرگ در نوشتار پسامدرنیستی، ادبیات پسامدرن، مک‌هیل، برایان، ۱۳۸۱، ترجمه پیام یزدان‌جو، تهران مرکز
- عقل سرخ، سهروردی، شهاب‌الدین، ۱۳۷۸، تهران، مولی
- فرهنگ داستان نویسان ایران از آغاز تا امروز، میر‌عابدینی، حسن، ۱۳۸۶، تهران، چشمه
- قلعه حیوانات، اورول، جورج، ۱۹۴۵، ترجمه امیر امیر شاهی، تهران، انتشارات جامی
- کولی کنار آتش، روانی پور، منیرو، ۱۳۹۳، تهران، مرکز
- کولی و زندگی او، ذکا، یحیی، ۱۳۳۷، تهران، هنرهای زیبای کشور
- کولی‌ها استانکو، زاهاریا، ۱۳۶۸، ترجمه محمد علی صوتی، تهران، زرین
- کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس، ۱۳۸۶، تهران، میترا
- مطالعه تطبیقی رمانهای احلام مستغانمی و زویا پیرزاد در پرتو نظریه چندآوایی باختین، اکبرزاده، فاطمه، ۱۳۹۳، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس، کبری روشنگر، خلیل پروینی، حسینعلی قبادی
- منطق گفتگویی میخائیل باختین، تودوروف، تزوتان، ۱۳۷۷، ترجمه داریوش کریمی، تهران، مرکز
- میخائیل باختین، زندگی اندیشه‌ها و مفاهیم بنیادی غلامحسین زاده، غریب رضا و غلامپور، نگار، ۱۳۷۸، تهران، روزگار
- نوسان زاویه دید در روایت کولی کنار آتش، پیروز، غلامرضا و مقدسی، زهرا، ۱۳۹۵، شعر پژوهی (۸ پیاپی)، ۱۳۹۵، صص ۵۱-۶۸.
- وسائل الشیعه، حر‌العاملی، محمدبن الحسن، ۱۴۱۳ق، چاپ اول، قم، موسسه اهل‌البیت (ع)
- هنر داستان نویسی، یونسی، ابراهیم، ۱۳۸۸، تهران، امیر کبیر